

تربون رسمی بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مدیر مسئول: علیرضا صفری - سردبیر: فرزاد علیپور - سال چهاردهم

ویژه نامه ترور دانشمند هسته ای، شهید محسن فخری زاده

۸ آذرماه ۱۳۹۹



صفحه بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را در شبکه های مجازی دنبال نمایید. [iran1404.ir](https://www.instagram.com/iran1404.ir) [@basij_lp](https://twitter.com/basij_lp)



■ خسارات بی عملی!

■ یازده سال جنایت

■ دانشمند هسته ای، فراموش نشود!

دانشمند هسته ای شهید محسن فخری زاده

پدر علم هسته ای ایران

خسارت بی عملی!

۴- در حالی که عقل و منطق می گوید اگر در برابر جسارت اولیه دشمن پاسخ کوبنده و پر خسارت ندهی و مناسبات سود-هزینه اش را به سوی هزینه سنگین نکنی، او باز هم به فکر ضربه زدن می افتد و این بار ضربه سنگین تری وارد خواهد کرد، این همه صبر و تغافل و کم عملی و سهل گیری برابر دشمن با کدام توجیه انجام شد؟ نگاهی به وقایع ما را به این می رساند که این سلسله‌ی توسری خوردن و دم بر نیلوردن همه از خروج امریکا از برجام و تدوین راهبرد مثلاً عقلایی «صبر استراتژیک» شروع شد و ادامه یافت. خلاصه این راهبرد چه بود؟ اینکه با هر هزینه‌ای و به هر قیمتی و در هر شرایطی برای حفظ توافق ضعیف و پر خسارت برجام در برابر همه اقدامات امریکا و متحد منطقه‌ای او -اسرائیل- سکوت کنیم و هیچ پاسخی ندهیم که «مبادا افزایش تنش‌ها برجام را به خطر بیندازد» و به این روند تا پایان دولت ترامپ ادامه دهیم تا دموکرات‌های مهربان برگردند و برجام نیمه‌جان زنده شود و تحریم‌ها برداشته شود و سایه جنگ دور شود و امنیت برقرار شود و صلح با دشمن قسم خورده ممکن شود!

۵- همانطور که گفتیم مبنای عقلی راهبرد صبر استراتژیک زیر سوال است و البته آینده‌ای که برای آن ترسیم شده هم با واقعیات فاصله‌ای قابل توجه دارد! انگار نه انگار که ترور دانشمندان هسته‌ای ما در دوران اوباما رخ داد؛ انگار نه انگار که ساختمان اصلی تحریم‌ها در دوران اوباما مهندسی شد؛ انگار نه انگار که هنگام خروج امریکا از برجام شخصیت‌های دموکرات نامداری از این اقدام ترامپ حمایت کردند و بدتر از همه انگار نه انگار که جو بایدن بعد از ترور شهید سلیمانی در بیانیه‌ی این اقدام را تایید کرد! عجیب تر از همه همین است که حضرات هنوز هم به این آینده رویایی امید بسته‌اند و مردم را نیز به این توهم دعوت می‌کنند!

۶- خلاصه اینکه اگر پس از خروج امریکا از برجام، از این توافق خارج می‌شدیم و گزینه خروج از آن پی تی را هم روی میز می گذاشتیم و اگر برابر ضربات اسرائیل به محور مقاومت و نیروهایمان پاسخ خردکننده می‌دادیم و اسرائیل را سر جایش می نشاندیم، کسی جرات فکر به ترور شهید سلیمانی را هم به خود نمی داد و البته اگر پس از ترور حاج قاسم به جای دو پایگاه، همه پایگاه‌های آمریکایی در منطقه را هدف قرار می دادیم و مانع محور مقاومت برای پیشبرد برنامه انتقامی نمی‌شدیم امروز شهید فخری زاده در خون خود نمی غلتید و البته سایه جنگ به خاک مقدس‌مان نزدیک نبود.

۷- همه اینها دلایل واضحی است برای این نتیجه که «باید برابر ترور شهید فخری‌زاده پاسخی درخور بدهیم و گرنه بایدن هم مثل ترامپ به یاغی گری ادامه خواهد داد.» برای شروع، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اخراج کنید!

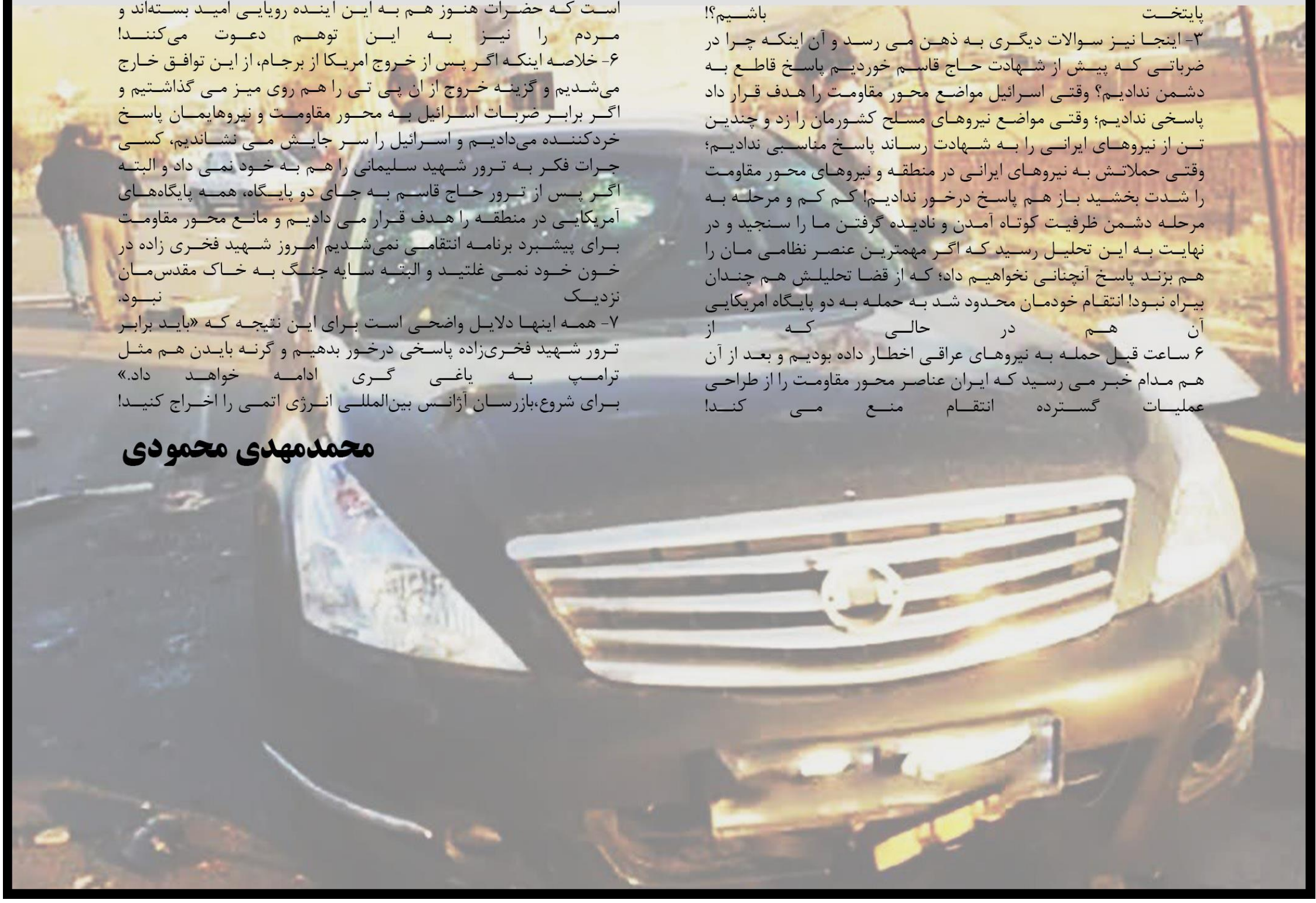
عصر روز جمعه ۷ آذر ماه ۱۳۹۹ دکتر محسن فخری زاده ترور شد و به شهادت رسید. این چند کلمه، تنها حاکی از یک خبر و اتفاق نیستند بلکه روایتگر نتیجه روندی طولانی است و البته نکات فراوانی در خود دارد.

۱- محسن فخری‌زاده تنها یک دانشمند هسته‌ای نبود. بسیاری از تحلیل‌گران او را پدر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی می نامند؛ یعنی عنصر کلیدی در پروژه‌ای که ایران برای تامین امنیت خود در منطقه‌ی پر تلاطم و جهان پر از تهدید تعریف کرده است. شهید فخری‌زاده یک مقام رسمی جمهوری اسلامی نیز بود. این دانشمند بزرگ، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع بود که از اهمیت نقش وی در پروژه قدرت بازدارنده موشکی کشورمان (عنصر کلیدی دیگر در عناصر تامین امنیت ملی) حکایت دارد. پس ترور ایشان مشخصاً به قصد و نیت وارد کردن ضربه به امنیت و عناصر قدرت ملی ایران انجام شده است و اتفاق کوچکی نیست. البته اشاره به نقش ایشان در پروژه واکسن ایرانی کرونا- که اخیراً مجوز تست انسانی را نیز دریافت کرده- خالی از لطف نیست.

۲- شناخت جایگاه و اهمیت شهید فخری زاده از شدت و عمق ضربه وارد شده و میزان جسارت دشمن در اقدام به ترور ایشان پرده برمی دارد. پرسش اینجاست که وقتی امریکا مهم ترین و محبوب ترین و کلیدی ترین شخصیت نظامی کشور یعنی شهید حاج قاسم سلیمانی را به شهادت رساند که نشان از جسارت یافتن بی‌اندازه‌ی دشمن داشت، چرا پاسخی دندان شکن و متوازن داده نشد که حالا بعد از ترور مرد شماره یک منطقه‌ای، شاهد ترور مرد شماره یک هسته‌ای و عنصر کلیدی برنامه موشکی کشور آن هم در نزدیکی پایتخت باشیم؟!

۳- اینجا نیز سوالات دیگری به ذهن می رسد و آن اینکه چرا در ضرباتی که پیش از شهادت حاج قاسم خوردیم پاسخ قاطع به دشمن ندادیم؟ وقتی اسرائیل مواضع محور مقاومت را هدف قرار داد پاسخی ندادیم؛ وقتی مواضع نیروهای مسلح کشورمان را زد و چندین تن از نیروهای ایرانی را به شهادت رساند پاسخ مناسبی ندادیم؛ وقتی حملاتش به نیروهای ایرانی در منطقه و نیروهای محور مقاومت را شدت بخشید باز هم پاسخ درخور ندادیم! کم کم و مرحله به مرحله دشمن ظرفیت کوتاه آمدن و نادیده گرفتن ما را سنجید و در نهایت به این تحلیل رسید که اگر مهمترین عنصر نظامی مان را هم بزند پاسخ آنچنانی نخواهیم داد؛ که از قضا تحلیلش هم چندان بیراه نبود! انتقام خودمان محدود شد به حمله به دو پایگاه آمریکایی آن هم در حالی که ۶ ساعت قبل حمله به نیروهای عراقی اخطار داده بودیم و بعد از آن هم مدام خبر می رسید که ایران عناصر محور مقاومت را از طراحی عملیات گسترده انتقام منع می کند!

محمد مهدی محمودی





یازده سال جنایت

رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا اعتقاد دارند که در صورت دستیابی جمهوری اسلامی ایران به تجهیزات و سامانه های پیشرفته نظامی - به ویژه در زمینه سلاح های اتمی - در راستای اهداف ضد صهیونیستی و ضد استکباری خویش این سلاح ها را فعال کرده و به آنان حمله خواهند نمود. بنابراین، تلاش همیشگی آنان در جهت ایجاد اختلال حداکثری در برنامه هسته ای نظام - برای کاهش تهدید نظامی ایران - بوده است؛ خواه از طریق حذف شخصیت های برجسته در این زمینه، خواه از طریق دخالت ویروس در سامانه های رایانه ای تأسیسات اتمی و خواه از طریق لحاظ نمودن تحریم های گوناگون و مذاکرات سیاسی بدون پایه! یکی از این اختلالات، ترورهای دانشمندان متخصص در عرصه انرژی هسته ای جمهوری اسلامی ایران است که در طی سال های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۹ - به صورت سلسله اقدامات تروریستی - به وقوع پیوسته است. در این شش برنامه ترور، دکتر مسعود علیمحمدی (عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه تهران)، دکتر مجید شهریاری (عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امیرکبیر)، داریوش رضایی نژاد (دانشجوی مقطع دکتری رشته برق در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی)، مصطفی احمدی روشن (معاون بازرگانی سایت هسته ای نطنز)، رضا قشقایی فرد (کارمند سازمان انرژی اتمی ایران) و دکتر محسن فخری زاده مهابادی (رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران) به شهادت رسیدند و فریدون عباسی دوانی (رئیس سابق سازمان انرژی اتمی ایران) مجروح گشت. اکثر این ترورها - مطابق آخرین اخبار و آمار موجود - با عاملیت اصلی سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل (موساد)، نظارت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و پشتیبانی سازمان مجاهدین خلق ایران صورت گرفته است و در مواردی تاکنون عامل آنان مشخص نشده است. نقطه مشترک این ترورها، مشارکت رؤسای جمهوری ایالات متحده آمریکا - از حزب دموکرات و جمهوری خواه - و پیگیری های نخست وزیر فعلی رژیم اشغالگر قدس - بنیامین نتانیاهو - بوده است.

حال پس از سپری شدن نه سال و در آستانه سالروز شهادت مجید شهریاری، نوبت به حذف فیزیکی «دانشمند ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و رئیس پیشین مرکز تحقیقاتی فیزیک (PHRC)» رسید. این عملیات تروریستی، در ساعت ۱۴:۳۰ روز ۷ / ۹ / ۱۳۹۹ و در میدان «خلیج فارس» شهر آسرد (شهرستان دماوند، استان تهران) صورت گرفت که در آن، بانفجار یک دستگاه خودروی نیسان و تیراندازی رگباری، محافظ آقای فخری زاده مجروح گشته و آقای فخری زاده نیز پس از انتقال به بیمارستان و علی رغم تلاش های پزشکان، به شهادت رسیدند...

طبق اظهارات رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۹۷، این ترور در ابتدا ناکام ماند و اکنون پس از دو سال صورت گرفته است؛ در آستانه خروج دونالد ترامپ از کاخ سفید تثبیت ریاست جمهوری جو بایدن، عضو حزب دمکرات و معاون اول باراک اوباما در ایالات متحده آمریکا. همچنین در یک برنامه تبلیغاتی (سال ۲۰۱۸م)، بنیامین نتانیاهو نسبت به جایگاه آقای فخری زاده توضیحاتی ارائه داد. مطابق اظهارات صهیونیست ها، فعالیت های آقای فخری زاده بر روی برنامه برنامه ی اتمی، نقش ویژه ی وی در راکتور اتمی تهران و به طور کل در عرصه انرژی هسته ای ایران، حساسیت ویژه ای را نسبت به وجود وی - از سوی رژیم اشغالگر قدس - ترتیب داده است.

باید اقرار نمود که متأسفانه مسئله امنیت جان دانشمندان و متخصصان عرصه انرژی هسته ای ایران در طی سال های مذکور با جدیت شدید صورت نگرفته و نفوذ در دستگاه یا افشای اطلاعات - توسط سازمان های بین المللی - در ارتقای امکان آسیب رسانی به ایشان بسیار مؤثر بوده است. از سوی دیگر، ممارست ها و پیگیری های بدون حاصل و نتیجه - جهت مذاکرات بین المللی برای سازش با یکی از حامیان اصلی توقف برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و شهادت دانشمندان انرژی هسته ای - آمریکا - قاطعیت در برابر این اقدامات تروریستی را کاهش بخشیده است. باید تصریح نمود که تا هنگامی که این حقایق شفاف و واضح نادیده گرفته شوند، از قوت اقدامات مدبرانه سیاسی کاسته گردد و واکنش های صریح و عزتمندانه و میل نسبت به آسان سازی مسامحه گرانه اوضاع و شرایط لحاظ شود، جسارت های وقیحانه پایان نمی پذیرد؛ گرچه که خون های مقدس، خود به تنهایی کافی است برای شفافیت، قوت، صراحت و عزت.

محو استقلال این کشور بود امری محال
دشمنان ما درین ره رنج بیخود می برند

رهی معیری

محمد مهدی فراهانی

دانشمند هسته ای، فراموش نشود!

دیروز، ۷ آذر ۱۳۹۹، طی یک عملیات تروریستی، محسن فخری زاده، به درجه رفیع شهادت نائل گردید. اما جدای از مباحث و ابعاد امنیتی که به جای خود باتید مطرح شوند، نکته عجیبی که در رسانه ای مختلف بیان شد، تاکید بر این کتبه بود که شهید فخری زاده، دانشمند حوزه موشکی بودند و نه هسته ای. گویا لفظ "هسته ای" را از قلم افتاده شده بود. بنابراین ذکر نکاتی در این زمینه و علت اینکه چرا این کلمه از قلم افتاده است ضروری است.

شهید فخری زاده دارای تحصیلات کارشناسی مهندسی هسته ای است و در واحد تحقیقات اتمی سپاه پاسداران که در سال ۱۳۶۲ تاسیسی شد شروع به فعالیت کرد. همچنین شهید فخری زاده در سال ۱۳۷۱ به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه امام حسین انتخاب شد و شروع به تحقیقات علمی کرد. این شهید گراند، تنها دانشمند هسته ای بود که نتانیاهو، نام او را مستقیماً در همایش تبلیغاتی خود در سال گذشته به زبان آورد و مدعی شد که این فرد روی تسلیحات اتمی کار می کرده است. تمام این واقعیت ها در مورد شهید فخری نژاد نشان دهنده پررنگ بودن وجه ی هسته ای و علمی ایشان بود ولی متأسفانه عامدانه مورد غفلت قرار گرفته است.

این پنهان کاری و تحریف واقعیت، صرفاً به این دلیل است که دولت و جریان حامی مذاکره و برجام هم می خواهند مسئله و افکار عمومی را از جانب موضوع "بازرسی آژانس انرژی اتمی" که تنها تهدیدی است که همچنان در برجام به آن پایبندیم دور کنند. به عنوان مثال چرا سخنگوی سازمان انرژی اتمی باید اعلام کنند که از دانشمندان هسته ای کسی ترور نشده است و با این حرف شهید فخری زاده را از لیست دانشمندان هسته ای خارج کنند؟ در وهله اول دولت و رسانه های نزدیک به آن، نمی خواهد که فشار دیگری از جانب برجام و ایرادات فراوان آن را تحمل کند. تا بدین گونه پرونده سیاه تری از خود به نمایش بگذارد. از طرفی دیگر، از آنجا که دولت مدام از خود تمایل برای مذاکره مجدد در موضوعات جدید نشان می دهد، نمی خواهد که پرونده برجام بیش از این وارد چالش جدی شود و یا به طور کلی از بین برود. ایجاد هر گونه چالش جدید و جدی بین ایران و

۱+۵ میتواند خواسته دولت برای مذاکره مجدد را به خطر بیندازد!

عرفان علمشاهی